

وضعیت اسفبار زائران ایرانی در عراق

گروه جامعه - مریم یوشی زاده: «مادرم جلوی چشمم از شدت گرما لب مرز ایران و عراق جان داد در حالی که پزشکی در کاروان نبود تا به دادش برسد، حدود نیم ساعت قبلش به سرباز عراقی لب مرز گفتم: مادرم بدحاله، باید بمیره تا شماها کارش رو زودتر راه بیندازید؟ گفتم: آره! برو وقتی مرد بیا!» آنچه خواندید شرح حال گروهی از اسرای ایرانی در زمان جنگ تحمیلی نیست، بلکه وصف بدترین لحظه های زندگی یکی از هموطنانمان است که حدود دو سه ماه پیش تصمیم گرفت مادر سالمندش را با یکی از کاروان های زیارتی مجوزدار برای زیارت به عتبات عالیات ببرد و هر چند پیشتر گفته بود مادرش قادر به سفر زمینی نیست، اما در پی لغو پرواز ناچار شد او را از راه زمینی به ایران بازگرداند و پیرزن در میانه راه به دلیل نبود امکانات در عراق جانش را از دست داد.

بر ایرانیان چه گذشت؟

با علی شقاقی از طریق پیامی کوتاه آشنا شدیم که او آن را در تماس با ستون حق با شماست روزنامه، مطرح کرده بود. او بعدتر شرح کاملی از سرگردانی خود و مادرش را داد که گفته هایش نشان می دهد حال و روز زائران ایرانی در عراق حتی اگر با کاروان های مجوزدار و زیر نظر سازمان حج و زیارت سفر کرده باشند، اسفبار است.

اسکان، تقریباً زندان ابو غریب

علی، مادرش و دیگر زائران کاروان، [نام کاروان در دفتر روزنامه محفوظ است] در بغداد در طبقه سوم هتلی نمود با اتاق هایی کوچک، بی پنجره که احتمالاً بی شباهت به زندان ابو غریب نیست ساکن شدند که هر یک با قطعی برق مداوم تبدیل به سلول انفرادی تاریک و گرم می شد، دستشویی و حمام در این اتاق هایکی بود، اتاق ها در حدی کوچک بودند که زائران حتی برای نماز خواندن در آنها مشکل داشتند. هتل آسانسور نداشت و آنها هر بار مجبور بودند برای رفت و آمد پله های مارپیچ و طولانی ۳ طبقه هتل را بالا و پایین بروند، در کاروان پزشکی وجود نداشت و حتی زمانی که شقاقی با وخیم شدن وضع سلامت مادرش به یکی از مراکز هلال احمر مراجعه کرد، پزشک ایرانی حاضر نشد تا هتل بیاید و گفت شقاقی باید بیمار را تا محل استقرار کانتینر هلال احمر بیاورد در حالی که پیرزن به خاطر وضع وخیم جسمانی اش قادر به راه رفتن نبود.

سفر با اتوبوس دقیانوس

شرایط نامناسب اسکان در عراق، وضع سلامت مادر این



زائر را بدتر کرد. سفر ۸ روزه به این کشور در حالی تمام شد که مسوولان کاروان اعلام کردند پروازهای عراق به ایران لغو شده است. در آن زمان بسیاری از زائران هنوز خبر نداشتند که لغو پروازهای ایران عراق به دلیل عهدشکنی طرف عراقی و با هدف افزایش دادن قیمت بلیت هواپیما صورت می گیرد.

شقاقی توضیح می دهد: «به آنها گفته بودم که مادرم به دلیل بیماری قادر نیست با اتوبوس سفر کند، اما چاره ای نبود. راننده تمایلی نداشت ما را به مرز ببرد و سرانجام زمانی حاضر شد این مسوولیت را بپذیرد که گرمای روز آغاز شده بود. به نظر می آمد او از سر لجبازی کندرانندگی می کند. اتوبوسی که در آن بودیم بشدت کهنه بود.»

شقاقی و دیگر زائران احتمالاً با یکی از ۶۰۰ دستگاه اتوبوسی به سمت مرز حمل شده اند که آنها را صرفاً به حمل و نقل زائران ایرانی اختصاص داده اند و مهدی شکر آرا، نماینده حج و زیارت در عراق درباره شان می گوید: «عمر متوسط این اتوبوس ها حدود ۱۰ سال است.»

وضعیت اسفبار زائران ایرانی در عراق

ادامه از صفحه اول

احتمالاً همین عمر متوسط ۱۰ ساله باعث شد، کولراتویوس حامل زائران در گرمای حدود ۴۸ درجه بیابان های عراق بادی گرم داشته باشد که حال و روز سرنشینان را بدتر کرده است.

پیشانی در مرز

زائران وقتی به مرز رسیدند که پیش از آنها حدود ۵۰ اتوبوس در نوبت رد شدن از مرز توقف کرده بودند. در این وضعیت مادر شقایق به خاطر گرمای هوا بار دیگر بدحال شد. شقایق تلاش کرد تا سرباز عراقی لب مرز را راضی کند که کار آنها را سریع تر راه بیندازد، اما او برخوردی تند داشت و سرانجام وقتی قبول کرد در ازای ۲۵ هزار تومان سریع تر به کار آنها رسیدگی کند که پیرزن جانش را از دست داد.

کاروان.... شقایق و جسد مادرش را تنها گذاشت و به راهش ادامه داد. او می گوید: «جسد مادرم را گذاشتیم پشت یک ماشین نظامی و او را به درمانگاهی در روستایی دور افتاده بردیم، چون هنوز مطمئن نبودم فوت کرده است یا شاید هنوز به بازگشتش امیدوار بودم.»

حتی اگر مادر شقایق زنده بود هم احتمالاً در ساختمان متروک روستایی که در نزدیکی مرز قرار داشت و نام درمانگاه روی آن گذاشته بودند، فوت کرده بود چرا که در آن درمانگاه پزشک و وسیله ای برای احیا وجود نداشت. شقایق حتی جسد مادرش را از عراقی ها به سختی تحویل گرفت و اگر همزبانی پیدا نمی کرد که شرایطش را برای عراقی ها توضیح دهد، احتمالاً باید بدون جسد مادر به ایران باز می گشت.

از آسمان و زمین عراق مشکل می بارد
آنچه از سرگذشت غم انگیز شقایق و مادرش در عراق خواندید فقط بخشی از شرایط نامناسب زائران ایرانی در عراق است و در آن از تعداد کم ماموران امنیتی نسبت به شمار زائران، ناامنی مسیرهای رفت و آمد، نبود غذاخوری و وسایل حمل و نقل مناسب و محل اسکان، کمبود آب شرب، آلودگی محیط، شیوع انواع بیماری ها و نبود امکانات بهداشتی و بخصوص دارو، کمتر گفته شده است در حالی که بیشتر زائران ایرانی، چه کسانی که با کاروان می روند و چه کسانی که انفرادی سفر می کنند، آنها را تجربه می کنند.

روزی ۲ میلیون دلار سود، از ایران به عراق
پژوهش های میدانی و پرسش از زائران نشان می دهد هر زائر ایرانی در هر سفر به طور متوسط یک میلیون تومان جنس بنجل را از بازارهای عراق خریداری می کند، اما



آخرین و بویژه فاجعه مرگ بیش از ۱۵۰ نفر از هموطنانمان در دیاله و کاظمین در اردیبهشت امسال نشان می دهد ضرب امنیت زائران ایرانی در عراق بسیار پایین است.

هرچند زائران ایرانی آنقدر صبور هستند که می توانند مشکلاتی مثل نبود امکانات بهداشتی و شرایط نامناسب نقل و انتقال و اسکان را تحمل کنند، اما نبود امنیت مساله ای نیست که به سادگی بتوان نادیده اش گرفت یا با آن مثل نبود دیگر امکانات مدارا کرد.

یک پیشنهاد؛ اعزام زائر را متوقف کنید
رئیس سازمان حج و زیارت پیشتر در گفتگو با «جام جم» در پاسخ به این پرسش که چرا اعزام زائر از طرف سازمان حج و زیارت متوقف نمی شود می گوید، حتی اگر ما اعزام زائر به عراق را به شکل قانونی متوقف کنیم، آنها به شکل سازمان نیافته برای سفر و زیارت اقدام می کنند.

این اظهار نظر خاکسار قهرودی در حالی صورت می گیرد که سال هائیش وقتی مرز ایران -عراق بسته بود، شمار زائران ایرانی ورودی به این کشور تقریباً صفر بود و کسی برای زیارت قانون شکنی نمی کرد و جانش را به خطر نمی انداخت و به همین دلیل بیراه نیست اگر بار دیگر و با توجه به شرایط ناخوشایند زائران ایرانی در عراق، پیشنهاد بستن مرزهای میان دو کشور را دستکم تا زمانی که عراق به ثبات سیاسی برسد، مطرح کنیم.

که در اختیار آنها قرار می گیرد در حدی بسیار پایین است.

یک چرای بزرگ و بی جواب!

رئیس سازمان حج و زیارت در پاسخ به این که عمده ترین مشکل زائران ایرانی در عراق چیست، می گوید: عمده ترین مشکل؟! همه چیز برای زائران ایرانی در عراق مشکل است که بخش عمده ای از این مشکلات به نبود امکانات زیربنایی، نداشتن ثبات سیاسی و نبود دولتی مستقل در این کشور مربوط می شود.

نمی توان تقصیر نبود امکانات را برای پذیرایی از زائران ایرانی به گردن مسولان عراقی انداخت، چرا که سال ها تحمل حکومتی دیکتاتوری و جنگ، هم نشینی با فقر و کمبود امکانات اولیه زندگی را برای عراقی ها رقم زده است و عجیب نیست اگر این کمبودها، عراقی ها را در پذیرایی شایسته از زائران ورودی به کشورشان با مشکل مواجه کند اما نکته اینجاست که چرا کشورمان هنوز به اعزام روزانه حدود ۳۰۰۰ زائر به این کشور ادامه می دهد.

از ناامنی نمی توان گذشت

از سوی دیگر، با آن که سازمان حج و زیارت بایان این که زائران شهید در انفجارهای خونین زیر نظر این سازمان اعزام نشده اند، از قبول مسوولیت شانه خالی کرد، اما شمار عملیات انتحاری موفق و ناموفق در عراق طی ماه های

مصطفی خاکسار قهرودی رئیس سازمان حج و زیارت در گفتگو با «جام جم»، میزان سودآوری ایرانیان را برای کشور عراق به طور متوسط کمتر از این مقدار تخمین می زند و می گوید: هر زائر ایرانی حدود ۵۰۰ دلار برای عراق سودآوری دارد.

به گفته خاکسار قهرودی، ایران روزانه بیش از ۳۰۰۰ زائر به عراق می فرستد که این رقم بدون احتساب زائران غیرمجاز و انفرادی است. قهرودی معتقد است: تعداد زائران سازمان نیافته نیز در ایام خاص با شمار زائران مجاز برابر می شود.

از این اظهارات می توان نتیجه گرفت که اگر شمار متوسط زائران ایرانی را در روزهای عادی حدود ۴۰۰۰ نفر (با احتساب زائران مجاز و غیرمجاز) در نظر بگیریم که هر یک برای عراق ۵۰۰ دلار سودآوری داشته باشند، ایران روزانه حدود ۲ میلیون دلار برای این کشور سودآوری دارد که این رقم در ایام خاص، با در نظر گرفتن نزدیک به ۶۰۰۰ زائر ایرانی در این کشور به ۳ میلیون دلار در روز می رسد!

هر زائر ایرانی یعنی ۷ بشکه نفت

عراق این روزها هر بشکه نفتش را با قیمت تقریباً ۷۰ دلار روانه بازار می کند در حالی که سودآوری هر زائر ایرانی برای این کشور بیش از ۷ برابر هر بشکه نفت (۵۰۰ دلار) است، اما به رغم سودآوری بالای زائران ایرانی، امکاناتی